

## مردگان کجا هستند؟

2011 Gijs van den Brink

منتشر شده در مجله StudieBijbel شماره 5.1

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که زندگی پس از مرگ وجود دارد. اما همچنین تعلیم می‌دهد که بعد از مرگ بر روی زمین، نه‌تنها یک، بلکه چندین مقصد و منزلگاه وجود دارد. این مربوط به بحث زندگی بلافاصله پس از مرگ می‌شود که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته، یعنی زمانی در حد فاصل بین مرگ در زمین تا رستاخیز تمامی مردگان. این زمان و جایی که انسان بعد از مرگ به آنجا می‌رود با زندگی جاویدان بعد از قیامت مردگان متفاوت است. N.T Wright در کتاب خود (رستاخیز پسر خدا) به طور واضح به تفاوت «زندگی پس از مرگ» و «حیات بعد از زندگی پس از مرگ» اشاره و در مورد آن صحبت می‌کند. البته آنچه که معمولاً در مورد تفاوت میان بهشت و جهنم می‌خوانیم کمکی به ما برای روشن شدن این موضوع نمی‌کند. بنابراین سعی داریم در این مقاله بحث خود را به موضوع «زندگی بلافاصله پس از مرگ» محدود کنیم.

سؤالات در این خصوص می‌تواند این موارد باشند؛ مرده‌ها بعد از مرگ کجا هستند؟ آن‌ها در چه شرایطی قرار دارند؟ آیا آن‌ها در هوشیاری بسر می‌برند، یا خاطرات زندگی خود را در زمین همراه خود دارند و بنابراین آیا همدیگر را می‌شناسند؟ برای پاسخ به این سؤالات می‌خواهیم به بخش‌هایی را از عهد جدید رجوع کنیم تا بتوانیم پاسخ به این سؤالات را بیابیم.

### بهشت

درست قبل از مرگ او، یکی از جنایتکارانی که با عیسی به صلیب کشیده شدند از او پرسید: «ای عیسی، چون به پادشاهی خود رسیدی، مرا نیز به یادآور» (لوقا 42:23). این مرد پاسخ روشنی از عیسی دریافت می‌کند: «به تو می‌گویم، امروز با من در فردوس (بهشت) خواهی بود» (لوقا 43:23). در این روز، روز مصلوب شدن آن‌ها، درخواست مجرم مورد قبول واقع می‌شود.

واژه «فردوس - Paradis» ما را به یاد باغ عدن در پیدایش 8:2 (آیات پس‌از آن) می‌اندازد، اما آن باغ، زمینی بود و جایی در بین‌النهرین قرار داشت که امروزه دیگر آنجا نیست. بنابراین در میان یهودیان تصور می‌شد که به دلیل گناه و تخلف آدم، بهشت به مکانی پنهان، دور از دسترس انسان منتقل شده است. مردم نیز عموماً وقتی به بهشت فکر می‌کنند گاهی در ذهن تصویری از آسمان سوم را دارند. ما در 2- باروک (از کتب یهودیت) می‌خوانیم: «من (خدا) او (اورشلیم آسمانی) را قبل از ارتکاب به گناه، به آدم نشان دادم، اما وقتی او (آدم) از حکم خداوند تخطی کرد، اورشلیم نیز مانند بهشت از او کنار کشیده شد... و اینک آن نیز نزد من محفوظ است همان‌گونه که بهشت محفوظ است.» (2-باروک 4: 3، 6؛ را مقایسه کنید با 4 عزرا 7:4-8، هر دو از کتب یهودی نوشته شده در قرن اول هستند که جزو کتاب مقدس محسوب نمی‌شوند؛ 468:5 TDNT)

پولس نیز در مورد این بهشت صحبت می‌کند و همچنین مکان آن را در آسمان سوم عنوان می‌کند. این موضوع از توصیف تجربه خاصی که او داشته مشهود می‌شود که در 2 قرنتیان 4-2:12 می‌خوانیم: «شخصی را که در مسیح است، می‌شناسم... که به آسمان سوم رفته شد. و می‌دانم که به فردوس (بهشت) بالا برده شد... و چیزهای وصفناشدنی شنید».

بهشت به عنوان مکان همدلی و صلح، در اوایل یهودیت (از قرن 3 قبل از میلاد)، به عنوان مکانی برای استراحت موقت معرفی می‌شد، یعنی جایی که روح صالحان بعد از مرگ تا رستاخیز مردگان در آن باقی می‌ماند. با این وصف می‌توان گفت که عیسی به آن قاتل که کنار خود مصلوب می‌شد این قول را می‌دهد که بلافاصله پس از مرگش همراه عیسی به این بهشت و محل استراحت خواهد رفت. این همان مکانی بود که پولس به فیض خدا اجازه دیدن آنجا را پیدا کرد.

### هادس همان جهنم نیست

عهد جدید از هادس به عنوان محل زندگی انسان گناهکار بعد از مرگ تا زمان رستاخیز، نام می‌برد. و البته توجه به این نکته مهم است که بین قلمرو مردگان (هادس) و جهنم (خهنا) تفاوت وجود دارد. ابهام در این خصوص از آنجا ناشی می‌شود که برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس هر دو کلمه را «جهنم»، ترجمه کرده‌اند، و این نادرست است و موجب سردرگمی می‌شود. در عهد جدید و در «یهودیت بین دو عهد» (مذهب و باورهای یهود، بین عهد قدیم و عهد جدید - از آخرین نبی ملاکی تا معرفی انجیل متی)، هادس و خهنا مترادف و هم معنی نیستند. هادس در یونانی مترادف واژه «شئول» در زبان عبری است و به بهترین شکل می‌توان آن را «قلمرو مردگان» ترجمه کرد. این مکان در (عهد جدید و همچنین در بسیاری از مکتوبات ادبی در یهودیت بین عهد قدیم و جدید) اشاره به اقامتگاهی موقتی دارد که روح شریران پس از مرگ جسم به آنجا برده می‌شوند و در انتظار رسیدن رستاخیز مردگان بسر می‌برند. این را به وضوح در عهد جدید در حکایتی که عیسی مسیح در مورد مرد پولدار و ایلعازر فقیر مشاهده می‌کنیم. «اما چون [فرد ثروتمند] چشم در جهان مردگان (هادس) گشود... از دور، ابراهیم را دید و ایلعازر را در جوارش» (لوقا 16:23).

هادس ارتباط نزدیکی با مرگ اول، یعنی مرگ جسم، دارد و در ضمن مکانی موقتی است. زیرا در زمان فرارسیدن روز داوری نهایی، هادس ساکنان خود را تحویل می‌دهد تا آن‌ها مورد قضاوت قرار گیرند. به همین ترتیب است که در مکاشفه 13:20 می‌خوانیم، «... مرگ و جهان مردگان [هادس] نیز مردگان خود را پس دادند، و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد».

از سوی دیگر، خهنا به عنوان «دریاچه آتش» (پیدایش 14:20) و «کوره آتشین» (متی 42:13) توصیف می‌شود، که فرد گناهکار در آخرالزمان به آنجا محکوم می‌شود (متی 40:13-42). یوحنا رسول در کتاب مکاشفه، زمان وقوع آن را شرح می‌دهد، یعنی پس از رستاخیز و داوری نهایی خداوند (پیدایش 12:20 و 15). به این ترتیب در ترجمه‌های امروزی کتاب مقدس، باید مفهوم «جهنم» را محدود به خهنا نماییم. بنا بر آنچه خواندیم، می‌توانیم بگوییم که جهنم یعنی خهنا در حال حاضر «خالی» است و قرار است که از این مکان در حین داوری نهایی و بعد از آن، استفاده شود.

## «خیمه‌های ابدی» و «منزل‌های بسیار»

عیسی مسیح در مَثَلِ مباشر ناصالح، این نکته را می‌گوید: «به شما می‌گویم که مال این دنیای فاسد را برای یافتن دوستان صرف کنید تا چون از آن مال اثری نماند، شما را در خیمه (skēnas) های جاودانی بپذیرند.» (لوقا 9:16)

عبارت «چون از آن مال اثری نماند» اشاره به لحظه مرگ می‌کند. در برخی از نسخه‌های خطی حتی عبارت «وقتی می‌میرید» (ek-leipō به معنای «پایان یافتن، مردن») بکار برده شده است. پس سپس زمانی فرا خواهد رسید که آن‌ها در خیمه‌های ابدی ساکن شوند. منظور عیسی در اینجا از "خیمه‌های ابدی" چیست؟

در یوحنا 2:14، عیسی می‌گوید: «در خانه پدر من منزل بسیار است، وگرنه به شما می‌گفتم. می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم.» در این آیه منظور عیسی مسیح از «خانه پدر من»، اشاره به بهشت آسمانی است (رجوع کنید به 2 قرن‌تیاں 1:5). اما چه زمانی به شاگردان اجازه داده می‌شود که در آن «منزل‌های بسیار» ساکن شوند؟ در این رابطه، نوشته‌های آخرالزمانی یهود کم‌کم بیشتری به ما می‌کند. در «عهد ابراهیم»، که یک نوشته یهودی متعلق به قرن اول است، خداوند در زمان مرگ ابراهیم این‌چنین می‌فرماید: «سپس دوستم ابراهیم را به بهشت می‌برم، جایی که خیمه‌های (skēnai) صالحان من و خانه‌های (monai) مقدسین من است... در جوار او. جایی که هیچ سختی وجود ندارد، هیچ اندوهی، هیچ ناله‌ای نیست، تنها آرامش و شادی و زندگی بی پایان است.» (14-10:20)

«منزلگاهی» که مقدسین بلافاصله پس از مرگ در آن ساکن می‌شوند، همانند «خیمه‌های» صالحان، در «آغوش ابراهیم» قرار دارد (در ادامه بخوانید). و عیسی روشن ساخت که این «عبارت‌ها» در «خانه پدر»، یعنی آسمان قرار دارند.

## «آغوش ابراهیم»

«آغوش-سینه» یا «دامان» (به عنوان بخشی از بدن انسان) که در عهد جدید آمده است، را می‌توان در زبان محاوره‌ای، در عبارت‌هایی نظیر «در جوار کسی دراز کشیدن» یا «در دامان کسی جای گرفتن» یافت، که در معنای دیگر، آرام گرفتن کنار یک نفر در حین صرف غذا نیز می‌تواند باشد. بنابراین می‌توان گفت که شاگرد محبوب عیسی هنگام شام خداوند، بر دامان مسیح جای گرفته بود (یوحنا 23:13)، و در لوقا 22:16 نیز می‌خوانیم که چگونه فرد فقیر را فرشتگان به آغوش ابراهیم بردند یا بر سینه ابراهیم قرار دادند، به عبارتی او توانست در جشن صالحان با ابراهیم هم‌جوار شود. این مفهوم در قرن اول میلادی برای توصیف مکان صلح و خوشبختی، جایی که صالحان پس از مرگ به آنجا می‌روند، استفاده می‌شد (826-824:3 TDNT).

## «به سوی پروردگار نقل مکان کن»

هنگامی که پولس در فیلیپیان 23:1-24 از مرگ خود صحبت می‌کند، می‌گوید، «زیرا بین این دو سخت در کشمکشم: چراکه آرزو دارم رخت از این جهان بربندم و با مسیح باشم، که این به مراتب بهتر است؛ اما مانند در جسم برای شما ضروری‌تر است.» از نظر پولس، مردن به معنای «با مسیح بودن» است. او قبلاً این یکی شدن را با مسیح تجربه کرده است (رجوع کنید به 1-قرن‌تیاں 17:6 و سایر آیات مشابه)، اما او ایمان دارد که پس از مرگش این پیوند عمیق‌تر می‌شود. به همین دلیل است که او می‌گوید، مردن و

بودن با مسیح در مقایسه با ادامه زندگی روی زمین بسیار بهتر است. در 2-قرن‌تیان 8:5 او می‌گوید، «آری، ما چنین دلگرمیم و ترجیح می‌دهیم از بدن غربت جسته، نزد خداوند منزل گیریم.» پولس این زندگی با مسیح را که پس از مرگ آغاز می‌شود، به «خانه آمدن» یا «نقل مکان» با خداوند تعبیر می‌کند. استفاده از زمان حال در عبارت «ما عمارتی داریم» (2 قرن‌تیان 1:5)، به یقین نشان‌دهنده این است که این منزل جدید هم‌زمان با از میان رفتن زندگی قدیم و زمینی حاضر و آماده است.

### یک ساختار دومرحله‌ای

پولس از امنیت نزد خدا بلافاصله پس از مرگ و بعد از آن درباره رستاخیز مردگان می‌گوید (1-قرن‌تیان 15). به نظر می‌رسد این دو در یک خط زمانی و در پی هم واقع شده اند. Wright این دو واقعه را "انتظار دومرحله‌ای" می‌نامد (Wright، 226-227). به این ترتیب ابتدا امنیتی موقتی همراه مسیح در آسمان وجود دارد که بلافاصله پس از مرگ فراهم می‌گردد و پس از آن رستاخیز از مرگ است. البته این مفهوم تنها بر اساس توسعه تفکر پولس شکل نگرفته بلکه این ساختار دومرحله‌ای را در کلام عیسی مسیح و انجیل لوقا نیز می‌یابیم. چراکه از یک سو در مورد هادس، بهشت و «خیمه‌های ابدی» صحبت می‌شود، جایی که فرد بلافاصله پس از مرگ در آنجا ساکن می‌شود و از سوی دیگر به زنده شدن از مرگ در آخرالزمان اشاره می‌شود (لوقا 20:27-40). در منابع آخرالزمانی یهودی نیز این انتظار دومرحله‌ای را مشاهده می‌کنیم (به عنوان مثال در 4-عزرا و 2-باروک؛ De Vries، 101-83).

### یادآوری و بازشناسی

حال چند سؤال باقی مانده که توجه ما را به خود جلب می‌کند، مانند اینکه: آیا مردگان در فاصله بین مرگ و رستاخیز دارای بدن‌های کامل هستند؟ در همین هنگام، آیا آن‌ها کاملاً هوشیار هستند و آیا هویت زمینی آن‌ها قابل تشخیص است؟

«اما چون او [مرد ثروتمند] چشم در جهان مردگان (هادس) گشود...، از دور ابراهیم را دید و ایلعازر را در جوارش.» (لوقا 16:23). مرد ثروتمند و ایلعازر هر دو پس از مرگ خود در زمین، به زندگی ادامه می‌دهند. اما یکی در پناهگاه بهشتی و پربرکت همراه با ابراهیم، و دیگری در محل اقامت موقتی که برای افراد ناصالح در نظر گرفته شده است. هر دو توسط یک «پرتگاه بزرگ» از هم جدا می‌شوند (آیه 26). به نظر می‌رسد مردگان یکدیگر را می‌شناسند (آیه 23، «او ابراهیم و ایلعازر را می‌بیند»)، و هر دوی آن‌ها دارای عملکرد و ادراک بدنی هستند (آیه 24، "زبانم را خنک کن") و همچنین خاطرات زندگی زمینی خود را همراه دارند (آیه‌های 25 و 27). عیسی مسیح حکایتی را بیان می‌کند، اما این بدان معنا نیست که آنچه او در اینجا روایت می‌کند واقعیت ندارد. مثل‌ها افسانه نیستند، بلکه نمونه‌های واقعی از زندگی روزمره هستند که در هر یک از آن‌ها پندی معنوی نهفته است.

علاوه بر این‌ها، واضح‌ترین توصیف را کتاب مکاشفه از آنچه بر ایمان‌داران در فاصله زمانی بعد از مرگ و بعد از رستاخیز، بیان می‌کند. در مکاشفه باب 7، یوحنا اجازه پیدا می‌کند که به آسمان رفته و به آنجا نظر کند و لحظه‌ای را ببیند که جمعیت زیادی از همه مردم، قبایل و اقوام و زبان‌ها آنجا در برابر تخت و بره حاضر شده‌اند. سپس مفسر آسمانی به یوحنا می‌گوید که این افراد از مصیبتی بزرگ بیرون می‌آیند، این را در زیر آیات 15-17 را می‌خوانیم: «اینان در پیشگاه تخت

خداوند و شبانه‌روز او را در معبدش خدمت می‌کنند؛ و آن تخت‌نشین، خیمه خود را بر آنان می‌گستراند. و دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد، و هرگز تشنه نخواهند گردید، و دیگر تابش خورشید به رویشان نخواهد بارید، و نه تابش هیچ گرمای سوزان دیگر. زیرا که بره از مرکز تخت شبان آنان خواهد بود، و آنان را به چشمه‌های آب حیات رهنمون خواهد شد.»

نخست، متوجه این نکته می‌شویم که گفته می‌شود این افراد از مصیبت بزرگ بیرون می‌آیند؛ و هویت زمینی آن‌ها شناخته شده است. علاوه بر این، مشاهده می‌کنیم که در بهشت فعالیت وجود دارد («آن‌ها او را می‌پرستند»). پس به این ترتیب بندگی خداوند ادامه دارد. گرچه برکت‌هایی که ذکر شده بسیار شبیه نعمت‌های اورشلیم آسمانی بر روی زمین جدید است (پیدایش 1:22-5)، با این وجود این وضعیت، موقتی است. رستاخیز بدن و پدیدار شدن زمین جدید به وقوع خواهد پیوست.

### جلال موقت

ماهیت موقتی زندگی آسمانی بین مرگ و رستاخیز نیز در مکاشفه 6:9-11 تأکید شده است، زمانی که در زیر مذبح (قربانگاه) بهشت، یوحنا «روح» انسان‌ها را می‌بیند. او می‌گوید، «زیر مذبح، نفوس (روح) کسانی را دیدم که در راه کلام خدا و شهادتی که داشتند، کشته شده بودند. اینان بانگ بلند برداشتند که ای سرور مقتدر، ای قذوس، ای برحق، تا به کی از داوری زمینیان و گرفتن انتقام خون ما از آنان باز می‌ایستی؟ آنگاه به هر یک از آن نفوس، ردایی سفید داده شد و به آنان گفته شد که پاسی دیگر بیارمند تا شمار هم‌ردیفان و برادرانشان که می‌باید چون آنان کشته شوند، کامل گردد ...»

یوحنا در اینجا از روح‌هایی که در بهشت هستند صحبت می‌کند، اما آن‌ها روح‌هایی هستند که می‌توانند ندا برآورند و دعا کنند. بنابراین آن‌ها ظاهراً در هوشیاری کامل قرار دارند. آن‌ها همچنین در برکت‌ها و زندگی آسمانی سهیم هستند، همان‌طور که با دریافت کردن آن ردای سفید نشان داده می‌شود. اما در عین حال آن‌ها هنوز از کمال نهایی برخوردار نیستند. چراکه روح می‌پُرسد، چه مدت باید منتظر بمانند تا عدالت خدا بر روی زمین آشکار شود. به آن‌ها گفته می‌شود که کمی بیشتر صبر کنید، یعنی تا زمانی که تعداد هم‌قطاران‌شان کامل شود. شکوه آسمانی آن‌ها موقت است. کمال این شکوه فرا نمی‌رسد مادامی‌که رستاخیز بدن و آمدن زمین جدید کامل نشود.

### منابع

-TDNT: *Theological Dictionary of the New Testament* - فرهنگ الهیات عهد جدید

-H.U. de Vries, *Hoe worden de doden opgewekt?* (چگونه مردگان زنده می‌شوند?) *Op zoek naar de contouren van het opstandingsbestaan* (در جستجوی سرخ‌های وجود رستاخیز). Zoetermeer: Boekencentrum 2011.

-N.T. Wright, *The Resurrection of the Son of God* (رستاخیز پسر خدا)، Minneapolis: Fortress, 2003.